

مار گریز گوتیه

(مادام کامایا)

نوشته‌ی: الکساندر دومای پسر

ترجمه‌ی: علیقلی بختیاری سردار اسعد

مقدمه و تصحیح: محسن حیدری

سرشناسه: دوما، الکساندر، ۱۸۲۴ - ۱۸۹۵ م. Dumas, Alexandre

رکرت بوت (مادام کاملیا)



مقدمه مصحح

عشق دختر و پسر جوان به یکدیگر، غیرت‌ورزی عاشق و فرصت‌سوزی او بر اثر غیرت نابه‌جا مادر له‌آبادن میان عاشق و معشوق، میل به انتقام، احساس پشیمانی از انتقام رفته از پدر می‌ترین احساسات عاشقانه به‌شمار می‌رود که از دیرباز در ادبیات ملل از جمله ایران وجود داشته است.

با تغییر مناسبات اجتماعی و سبک زندگی شهری در ایران اواخر دوره‌ی قاجار و آشنایی ایرانیان با اخلاق و فکر اروپایی، حس همذات‌پنداری مخاطب ایرانی با قهرمانان افسانه‌های عشقی کهن همچون «لیلی و مجنون» (که عمدتاً به‌جای آن‌که درس‌آموز زندگی باشد، نظاره‌هایی دربردارنده‌ی یکسری استعاره‌ها برای آموزش نظری و انتقال مفاهیم عرفانی اسلامی بودند) کاهش یافت و تمایل به آگاهی از الگوهای عشقی مدرن (که به‌تدریج تر بوده و ریشه در زندگی شهری مدرن و واقعیت عصر جدید داشته باشد)، آذهان عمومی ایجاد شد و در دستور کار مترجمان ایرانی قرار گرفت.

کتاب حاضر، ترجمه‌ی فارسی داستان «مادام کاملیا»^۱ اثر الکساندر دومای پسر^۲ (۱۸۲۴ - ۱۸۹۵) است. وی این اثر را به زبان فرانسوی در سال ۱۸۴۸

1. La Dame aux camellias, Alexandre Dumas, fils, 1848, Paris : A. Cadot. 1 Vol: (340-4 p.)

2. Alexandre Dumas, fils (1895 - 1824)

میلادی در ۳۴۰ صفحه در پاریس منتشر کرد و به شهرتی فراوان دست یافت. داستان، روایت عشق نافرجام جوانی به نام «آرماند دو وال» با «مترس»^۱ پاریسی‌اش، زنی زیبا و بدنام به نام «مارگریت گوتیه» ملقب به مادام کاملیا است. مارگریت از طریق دوستی و ارتباط با مردان پولدار، شهرت و ثروتی به دست آورده اما مهربانی‌های بدون چشمداشت آرماند در هنگام بیماری‌اش، او را اسیر محبت این جوان نه‌چندان پولدار می‌کند. آرماند عشق و غیرت را به هم می‌آمیزد و مارگریت مکرر به او یادآور می‌شود که غیرت آینده‌ای نیست که برین شکوه عشق را در آن دید. در این میان، خانواده‌ی پسر که از این وصلت بران و شرمگین‌اند، باعث جدایی آرماند و مارگریت می‌شوند و دختر فداکارانه پا پس می‌کشد و به ارتباط ملال‌آور با دوستان پولدار قبلی مشغول می‌شود. آرماند برای کم‌نیاوردن، دوست دیگری برمی‌گزیند و از روی غیرت به آزار روحی و جسمی خود (مارگریت) می‌پردازد. نهایتاً مارگریت در اثر بیماری و نرسیدن روحی می‌میرد و نامه‌هایش آرماند را متوجه اشتباهش می‌کند.

حاجعلی‌قلی‌خان بختیاری سردار است (۱۱۳۶ - ۱۲۹۶ ه. ش) با امضای ادبی «علی‌قلی بختیاری» از پیشگامان نهضت ترجمه‌ی ادبیات داستانی مدرن و پیش‌تازان آشنایی ایرانیان با شیوه‌ی تفکر و اندیشه‌ی اروپایی (در اواخر عصر ناصرالدین‌شاه و اوایل دوره‌ی مظفرالدین‌شاه) به شمار می‌رود.^۲

۱. Metres یا «مترس» که در اواخر دوره‌ی قاجار وارد ادبیات فارسی شد، واژه‌ی فرانسوی است برای نامیدن بارنبر یا شریک مؤنث در یک رابطه‌ی پیش از ازدواج یا فرازناسویی که عمدتاً متضمن رابطه‌ی جنسی نیز هست.

۲. وی که با ترجمه‌ی حدود بیست جلد کتاب و کوشش‌های فرهنگی دیگر، از جمله زمینه‌سازان فرهنگی خیزش مشروطیت به‌شمار می‌رفت، در سال‌های بعدی (دوره‌ی استبداد صغیر محمدعلی‌شاهی) به ایفای نقش موثر در مقام رهبری عملیات ملی آزادسازی تهران، برکناری محمدعلی‌شاه و بازگشایی پارلمان مشروطه پرداخت و در قامت یکی از رهبران بزرگ جنبش مشروطه، برای مدتی چهره‌ی اول سیاست ملی ایران شد.

وی در ۵ ربیع الاول ۱۳۱۸ هـ.ق.^۱ (قبل از سفر اولش به اروپا و پیش از آن که لقب «سردار اسعد» را دریافت کند) ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در «گینه‌کان» (جونقان) چهارمحال بختیاری به پایان برد و چندی بعد برای چاپ به مطبعه‌ی خورشید در تهران سپرد. حروفچینی این کتاب در ۱۹ محرم ۱۳۲۲ هـ.ق.^۲ آغاز شد و در ۱۴ صفر ۱۳۲۲ هـ.ق.^۳ به پایان رسید و در قالب یک مجلد ۱۶۲ صفحه‌ای رونه‌ی بازار شد.

مترجم، نام داستان را از «مادام کاملیا» به «مارگریت گوتیه» تغییر داده است. ریاضی‌اش به خاطر دغدغه‌ها و ملاحظات اجتماعی، از جمله برای «دفع شبهه‌ی مترجم» جلوگیری از سوءتفاهم و تاکید بر این که مارگریت گوتیه زن شوهرش نبوده، دست به این تغییر زده است. مدیران مطبعه‌ی خورشید نیز به احترام این تسمیه مترجم، کوشیده‌اند حد وسط را بگیرند. از این رو در صفحه‌ی آغازین متن کتاب، نام موردنظر مترجم یعنی «مادموازل مارگریت گوتیه» را نوشته‌اند پس در صفحه‌ی عنوان اثر نوشته‌اند: «لادام اکاملیا المشهور به مادموازل مارگریت گوتیه». همین چندگانگی عنوان فارسی اثر، بیش از هر چیز نشان می‌دهد که مترجم و ناشر متوجه اهمیت این رفتار خود در تغییر عنوان اثر بوده‌اند.

توجه مترجم به ملاحظات اجتماعی را در دیگر ترجمه‌های او نیز می‌بینیم؛ آنجا که نام داستان «مادام مونسورو» اثر الکساندر دوما را به «هانری سوم» تغییر می‌دهد نیز احتمالاً دغدغه‌ای مشابه داشته است. دغدغه‌های اجتماعی مترجم، علاوه بر عنوان اثر، گریبان مترجم را نیز می‌گیرد. بخش اصلی داستان در «فلش‌بک» می‌گذرد؛ داستان با حراج

۱. برابر با ۱ تیر ۱۲۷۹ هـ.ش.

۲. برابر با ۱۶ فروردین ۱۲۸۳ هـ.ش.

۳. برابر با ۹ اردیبهشت ۱۲۸۳ هـ.ش.

اثاثیه‌ی منزل مارگریت (پس از مرگ او) شروع می‌شود و سپس آرماند که در بستر بیماری افتاده، خاطرات خود را مرور می‌کند و سرگذشت خود و مارگریت را برای جوان دیگری (که نویسنده‌ی داستان است) روایت می‌کند. با این حال مترجم، این فلش‌بک را از میان برداشته و داستان را به صورت روایت خطی ارائه کرده است. سردار اسعد در توضیح علت این دخل و تصرف در روایت داستان نوشته است: «وقایع بعد از فوت مادموازل مارگریت را مصّاف در اول کتاب نوشته است. چون بنده ملاحظه کردم اگر در آخر کتاب باشد برای رغبت خوانندگان بهتر خواهد بود، این تفصیل را در آخر کتاب نوشتم».

در واقع، مترجم فلش‌بک را حذف کرده و به این ترتیب از ارزش هنری ترجمه‌ی خود کاسه‌اسره‌امد داشته که از این رهگذر به سلیقه‌ی عمومی ایرانیان نزدیک شود و بر تائید گزاری اجتماعی ترجمه‌ی خود بیافزاید.^۱ نسخه‌ی چاپ سریبی ترجمه‌ی فارسی «مارگریت گوتیه» یا مادام کاملیا به شماره ثبت ۸۷۴۷۱۰ در کتابخانه‌ی ملی ایران موجود است. علاوه بر این، نسخه‌ی خطی ترجمه‌ی علی‌قلی بختیاری سردار اسعد (با کتابت «سلطان‌الکتاب محلاتی») نیز به شماره‌ی کتابشناسی ف ۲۸۳۳ در کتابخانه‌ی ملی موجود است.

اکنون که انتشار مجموعه ترجمه‌های سردار اسعد در دست‌رسان نشر تمتی قرار گرفته است، کتاب «مارگریت گوتیه» (مادام کاملیا) به‌عنوان یک سند سوم

در چاپ دوم «مارگریت گوتیه» ترجمه‌ی سردار اسعد که چند سال بعد توسط کتابفروشی حافظ در تهران عرضه شد (و نسخه‌ای از این چاپ دوم به شماره ثبت ۲۱۵۰ در کتابخانه ملی ایران موجود است)، با صلاح‌دید ناشر ویرایش جدیدی ارائه گردید و فلش‌بک داستان به حالت اولیه برگردانده شد.

ن.ک: لادام کامیلا مارگریت گوتیه، تالیف الکساندر دوما (پسر)، ترجمه‌ی حاجی‌علی‌قلی‌خان، تهران: کتابفروشی حافظ، چاپ دوم (ویرایش دوم)، ۲۳۰ صفحه مصور.

این مجموعه تقدیم علاقمندان می‌شود. بی‌تردید مطالعه‌ی این ترجمه برای علاقمندان به تاریخ تحولات فکری ایرانیان، مشروطه‌پژوهان، پژوهشگران رابطه‌ی فرهنگی ایران و فرانسه، پژوهشگران تاریخ ادبیات داستانی و تاریخ ترجمه در ایران و نیز خیل علاقمندان به این رهبر ملی و آزادیخواه مفید و جالب خواهد بود.

در چاپ جدید، هیچ تغییر و جابجایی در متن اصلی چاپ سربی سال ۱۳۸۲ ه. ش. ایجاد نشده و توضیحات مصحح در پاورقی آمده است. گاه به ضرورت، تفسیرهایی درون قلاب [] داخل متن افزوده شده که قابل تفکیک از متن اصلی است. البته گذاری متن، برابر عرف بنگاه‌های چاپ و نشر تنظیم شده است.

در تدوین و انتشار این اثر از منابع کتابخانه مجلس و کتابخانه ملی بهره بردم که جا دارد از مدیرین و کارکنان این کتابخانه‌های وزین تشکر نمایم. همچنین جا دارد از جناب آقای ارسلا شیمی که مشوق و حامی مصحح در انتشار این اثر بودند صمیمانه تشکر کنم.

امیدوارم نتیجه‌ی این کوشش مورد پسند علاء‌مندان تاریخ و فرهنگ این مرز و بوم قرار گیرد و مجلدات بعدی مجموعه‌ی دست‌جلدی ترجمه‌های سردار اسعد نیز با سرعت و دقت تقدیم مشتاقان گردد.

محسن حیدری

heidaiba@tiari@gmail.com

[مقدمه‌ی ناشر:]

از آن جایی که در باب درایت را اسباب سعادت از هر جهت فراهم و اصحاب نباهت را البتہ در ذکاوت توأم است، لهذا در هر قدمی در این عالم در توسعه‌ی افکار کوشید و در اشعار و اشتہار آثار گوهر بار سعی خود را مبذول دارند که از حلاوت کفایت حکایت شکر بارش اولوالابصار را به حیرت آرند. همچنین به جهت تزکیه‌ی انہا، رفہی حال همگان و تذکرہ‌ی یاران، داستانی به دست آورده که هر یک از دستان از بوستانش گلی چیده و از شرح و بیانش مشکلی حل نموده، تا به از آن گلستان حکمت و روایت، هم‌وطنان خود را به گل‌های رنگارنگ و انوار یادآور نمایند.

قدری واضح‌تر گوئیم؛ غرض از گل و سنبل کتاب‌های حکایتی است که به روایات و رومان و یا وقوعاتی است که با دلیل و برہان در نجات روزگار به یادگار گذارند تا اهل عالم را از مندرجات بی‌شمار در عبارت افکار نیاندازند و از درجات علوم و اطلاعات باز ندارند؛ چون اشخاصی که سال بر این‌گونه مطالب مفیدہ و مناقب پسندیده بوده و هستند، دائماً در تہنیت و تحسین و تفضل این‌گونه مؤلفات و این قبیل مصنفات برمی‌آیند.

به این واسطہ، جناب حاج علیقلی خان بختیاری که بخت و اقبال یاری ایشان نموده، بعضی از کتب مفیدہ را که مبنی بر حکایات و روایات عدیدہ بوده، جناب معزی‌الیہ برخی از آن کتب را که روایاتش شیرین‌تر و حکایاتش

نمکین‌تر و مقرون به صدق بوده، وقوعیت داشته، از فرانسه به فارسی ترجمه نموده‌اند.

و [ترجمه‌های ایشان] خیلی نزدیک به اذهان و ساده‌زبان [است] که خواص و عوام را از قرائتش کسالت حاصل نشود و بر شوق ارباب ذوق بیافزاید. و در جندی قبل یکی از آن کتاب‌ها که مسمی به «غاده الانگلیسیه» بود و در مصر از انگلیسی به عربی ترجمه شده، ایشان به‌شخصه زحمت کشیده و از عربی به فارسی ترجمه نموده، به طبع رسانیدند.

الحال هم شروع به طبع این کتاب حکایت «مادام کاملیا» نموده‌اند و این کتاب که در اصل فرانسه بوده، تا حال به چند زبان ترجمه شده، و چون دیدند ترجمه فارسی آن هنوز نشده، خودشان زحمت این کار را قبول کرده و از فرانسه به فارسی ترجمه نموده‌اند.

اصل این اسم [کاملیا] اسم یکی از گل‌های قشنگ فرانسه است. و اسم اصلی آن دختری بوده در پاریس؛ و بیار و جیهه و خوشگل مسمی به «مادموازل مارگریت». ولی از کثرت و جاهت و دوستی زیادی که به این گل کاملیا داشته، معروف به اسم اول شده. و باز هم [ترجمه محترم] به‌جهت سهولت در عبارت، نام این کتاب را همان کتاب «مادموازل مارگریت» می‌گذارد.

[کتاب حاضر]، مادام کاملیا؛ المشهور به مادموازل مارگریت گوتیه، از فرانسه به فارسی ترجمه شده است. [شروع به طبع گردید] تاریخ ۱۹ محرم الحرام سنه ۱۳۲۲ [هجری قمری].

ان شاء الله پس از طبع این کتاب، شروع به طبع کتب دیگر — که فرانسه و عربی بوده و ترجمه نموده‌اند — خواهد شد. و این کتاب‌ها حکایاتش تا حال به گوش اهالی ایران نرسیده، مگر معدودی که مربوط به زبان‌های خارجه بوده‌اند.

و بالله التوفیق و علیه التوکل. و السلام.

[تکلمه‌ی ناشر:]

چون در صفحه اول ظهر این کتاب مذکور شده این کتاب «مادام کاملیا» که مشهور به «مادموازل مارگیت» است، از فرانسه به عربی و از عربی به فارسی ترجمه شده، و این مطلب اشتباه شده [و] اصل این کتاب را جناب مترجم از فرانسه به فارسی ترجمه نموده‌اند، لهذا رفع اشتباه در آخر کتاب مجدد توضیح شد؛ چون صفحه‌ی اول به طبع رسیده بود، خواستم اشتباه نباشد و غلط ذکر نشود و السلام.

به تاریخ یکشنبه ۱۴ شهر صفر المظفر سنه‌ی ۱۳۲۲ هجری [قمری] در دارالخلافتی طهران، مسابن ناصریه، مطبعه‌ی خورشید به طبع رسید.

امقدمه‌ی مترجم:

این کتاب، [ترجمه‌ی] «مادام کاملیا» و از تألیفات «الکساندر دوماس دوفیس» است که از صنفین مشهور فرانسه است و این کتاب بهترین تألیفات اوست؛ تا حال به حدیث زبان ترجمه شده و این حکایت را اغلب فرانسوی‌ها که با بنده‌ی مترجم سخت داشته‌اند، راست می‌دانند و قصه نیست، بلکه همان‌طور که مصنف نوشته کلاسیکی کم و زیاد از اصل حکایت ننوشته. و در فرنگستان، تئاتر این تفصیلا را در کمال قشنگی در تماشاخانه‌ها به نظر ناظرین جلوه می‌دهند.

و این بنده، علی‌قلی بختیاری، برای رفع دلتنی و تصانیف خیالات، مشغول به ترجمه‌ی آن شدم، چون در دانستن زبان فرانسه مسلک ندارم، هر نقصی در این کتاب باشد، از خوانندگان محترم استدعای چشم‌پوشی می‌نمایم.

اتکلمه‌ی مترجم:

بنده‌ی مترجم یک سال بعد از ترجمه‌ی این کتاب به فرنگستان رفتم و از قبر مادموازل مارگریت سؤال کردم، در قبرستان «من‌مارت» نشانی آن را

دادند، رفتیم به تماشا؛ قبری است قشنگ، ساخته شده از مرمر سفید و سال تولد متوفی را با سال وفات او نوشته‌اند، یعنی در سنگ قبر نقر کرده‌اند. و تمام این قبر را یادگار با مداد نوشته‌اند. گل‌های زیادی دیدم که دسته دسته تازه به روی قبر گذاشته‌اند. بعد از تحقیق معلوم شد که حالیه هر کس به درد عشق گرفتار است، مرد باشد یا زن، آن قبر را زیارت کرده، یادگیری می‌نویسد و دسته‌گلی به روی قبر می‌گذارد. و این قبر در قبرستان «من‌مارت» داخل شهر پاریس موجود است.

تمام شد ترجمه‌ی کتاب «مادام کاملیا» در سه‌شنبه پنجم شهر ربیع‌الاولی هزار و سیصد و هشتاد و هجری.

از کثرت ناآگاهی و عدم حواس، مسوده را نتوانستم پاک‌نویس کنم و رجوع به مطالعه‌ی کتاب هم نشد که عبارات آن تصحیح شود. امیدوارم خوانندگان محترم عذر این مسوده را قبول بفرمایند.

و ان‌شاءالله [بعد از طبع این کتاب، سایر کتاب‌هایی که خود این بنده از عربی و فرانسه به فارسی ترجمه نموده‌ام] به طبع خواهیم رسانید.
و کتاب بعد از این، ترجمه‌ی «عشق پاریس» است که از فرانسه به فارسی ترجمه شده است.

علیقلی بختیاری